

گزارش هفدهمین کنگره قرآنی سمپاد

به میزبانی مراکز آموزشی سمپاد تهران (تیر و مرداد ۱۳۷۸)
به روایت: محمد ناصرزاده

«قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ عَدُوِّي، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»

(سوره مبارکه ص آیات ۳۴ و ۳۵)

«سلیمان» از خدای خویش خواست که مرا بیمارز و ملکی به من ارزانی دار که پس از من هیچ کس لایق آن نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای»

□ کنگره قرآنی ساری

- آقای دکتر آزه‌ای: مسئول محترم مسابقات، بالاخره چند نفر شرکت کننده داریم؟
- مسئول مسابقات: آقای دکتر اصلاً این سؤال در شأن حضرت تعالی نیست، هر کس دل داده بوده خودش را رسانده.
- آقای دکتر آزه‌ای: خوش آمدند ولی شما می‌گفتید از بچه‌ها ۲۵۰ نفر دعوت کرده‌ایم، مسئول انبار تا به حال بالای چهارصد تا جایزه توزیع کرده! شما اصلاً آمار حالتان هست؟
- مسئول مسابقات: عرض کنم آقای دکتر، خیلی جای خوشوقتی است، ولی الان اطلاع دادند یک گروه ۲۵ نفره هم از علامه حلی ۲ تهران، تا دو سه ساعت دیگر می‌رسند!
- آقای دکتر آزه‌ای: !!!؟

□ کنگره قرآنی تبریز

- آقای دواساز (میزبان): آقای دکتر از این همه عنایت شما به این شهر و دادن افتخار میزبانی

سرافرازیم.

○ آقای دکتر اژه‌ای: خواهش می‌کنم، خوب امروز آمار ناهار چقدر بود؟

● آقای دواساز (میزبان): قربان تا هزار تا شمردیم، بعدش را دیگر نشمردیم.

○ آقای دکتر اژه‌ای: چی گفتید آقا؟ آقای مسئول مسابقات! ایشان چه می‌گویند؟ هزار نفر تبریز

چکار می‌کنند؟

● مسئول مسابقات: والله جناب آقای دکتر، دیگر با مهمان نوازی آقای دواساز نمی‌شه بچه‌های

قرآنی را تبریز راه ندهیم. گفتیم علاقمندان خودشان را برسانند!

○ آقای دکتر اژه‌ای:!!!

□ به نظر شما یک شخصیت عالم روحانی دقیق و منظم مثل آقای دکتر اژه‌ای از دست جماعت

فارغ‌التحصیلان کنگره‌های قرآنی چقدر کشیده است؟ چقدر زجرش داده باشند خوب است؟ چقدر

ایشان حوصله کرده باشد خوب است؟ آن قدر که نهال قرآنی سمپاد شکل بگیرد و یکی از قویترین

برنامه‌های قرآنی کشور در سطح آموزش عمومی شکل بگیرد.

□ کنگره قرآنی اهواز

● روز آخر مسابقات: خانمی مشغول نظافت اتاق‌های مدرسه دخترانه سمپاد اهواز است که در

اتاق نیروهای اجرایی، می‌بیند بچه‌ها تشک‌ها را روی هم چیده‌اند و اتاق مرتب است. آفرینی می‌گوید

و دوری در اتاق می‌زند و ناگهان جیغ می‌کشد.

○ آقای افتخار (میزبان): آقای دکتر این هیئت اجرایی خواهران خدای نکرده انگار حالشان کمی

بد بود. تشک‌ها را روی هم چیده بودند و اتاق را مرتب کرده بودند بعد خودشان رفته بودند یک متر

مانده به سقف روی تشک آخری، جلسه با هم گذاشته بودند!*

● آقای دکتر اژه‌ای:!!!

□ حوصله‌ای در حد اولیاء باید داشت که نسل‌های برگزارکننده را با این اخلاقیات لطیف و

دوست‌داشتنی! همراهی کرد از زیاد و کم‌شان گذشت و حتی جلسات بالای تشک را هم تحمل کرد.

زیرا نسل‌سازی و مجموعه برپا کردن، حال خودش را می‌خواهد و مثل سایر قضایا نیست.

* [هیئت اجرایی خواهران: آقای ناصرزاده! قضیه تشک‌ها را که گفتید، لاقول قضیه کشیدن ترمز قطار توسط برادران اجرایی که به

اسم ما تمام شد را هم می‌نوشتید!!!]

□ کنگره قرآنی تهران

- (صحنه: هنگام اهدای جوایز و لوح): (تحركات مشکوکی در پایین سن رخ می دهد)
- آقای دکتر آزه‌ای: عزیزم لوح را بده ببینم. اسمت چیست؟ عجب! این لوح که مال تو نیست؟
- دانش آموز: عیبی ندارد. پایین سن به من گفتند برو بالا لوح را بگیر. بیا پایین بده ما از پشت سن دوباره بدهیم نفر بعدی. لوح کم آورده‌ایم!

□ کنگره قرآنی ارومیه

- صحنه: فرودگاه مهرآباد تهران. با هماهنگی هما قرار شد همه بچه‌های کنگره را هوایی به ارومیه ببریم.
- اتفاقات: اسامی روی بلیط‌ها یک چیز است، اسامی دانش آموز یک چیز دیگر!
- اتفاقات خلق الساعه: آدم‌هایی که در فرودگاه عوض شدند (!) سوار هواپیما شدند.
- فوق برنامه در فرودگاه: کارگاه کارت‌سازان سیار!
- نتیجه: در افتتاحیه کنگره ارومیه قاری افتتاحیه سوره زلزله را خواند. همزمان در ارومیه زلزله آمد و سالن خیلی با حال لرزید!

○ ماحصل: نوع آمدنمان به افتتاحیه مان می خورد.

● آقای دکتر آزه‌ای: آقای مسئول مسابقات: یعنی چه این مسائل؟!

- یعنی اینکه دریا دلی و سمت و سوگیری درست، شیوه بنیان و ایجاد آموزش استعدادهای درخشان بود. این اتفاق نبود بلکه یک سیر و جریان ریشه‌دار در تاریخ شیعه مخصوصاً در یک صد سال اخیر است که روحانیون، همت به راه‌اندازی نحل‌های آموزشی در ایران نموده‌اند و از آن برکات زیادی حاصل شده است. کدام شخصیت فرهنگی را می‌شناسید که یک چنین همایشی را در ارومیه راه بیندازد، برنامه‌ریزی کند و مسئولیتش را خود بر عهده بگیرد؟

□ کنگره قرآنی مشهد مقدس (دومین میزبانی)

- مسئول خوابگاه: به به! چه داورهای قرآنی جوان و شایسته‌ای، شما الهیات می‌خوانید؟!
 - داورها همه با هم: نه
 - پس چی می‌خوانید؟
 - من مهندسی مکانیک، اون مهندسی برق، اون مهندسی صنایع، اون متالورژی ...
 - چشم‌های مسئول خوابگاه چهار تا می‌شود.
 - جماعت و قشر قرآنی‌ها باید به همه تحصیل‌کرده‌ها، همه مردم تسری پیدا کند. قرآن کریم باید

در متن زندگی و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی فرهیختگان وارد شود. این راهی بود که این شخصیت عالی مقام و فرهنگی به عنوان هدف‌گذاری اصلی برای کنگره‌های قرآنی بنیان نهاد. ما شاهد حضور وسیع و داوطلبانه هم‌گروه‌های فکری و ذهنی استعداد‌های درخشان، در ده سال گذشته در کنگره‌های قرآنی بودیم. این مهم، ساده به دست نیامد، ساده سیاست‌گذاری نشد. پراکندگی جمعیتی استعداد‌های درخشان در حضور فعال در کنگره‌های قرآنی در تمامی محیط‌های مشابه بی‌نظیر است.

□ کنگره هفدهم - تهران (۱۳۸۷)

و ماجرای کنگره قرآنی هفدهم تهران هم ماجرای مثل همین بود. دقیقاً ده روز مانده به برگزاری (۹ روز کاری) مراکز سمپاد تهران به جهت انصراف اصفهان از میزبانی، شرف برگزاری این دوره را کسب نمودند و قرآن کریم اینان را به میزبانی دلدادگان خود برگزیدند.

○ و چون قرآن کریم در کار می‌آید، راه‌های بلند کوتاه می‌گردد و سختی‌های بزرگ سهل می‌گردد. مجموعه‌ای از چند هتل برگزیده ایرانگردی و جهانگردی در بام ایران و خنک‌ترین محدوده جغرافیایی این مملکت در گرما و حرارت تابستان خشک امسال مهیا می‌گردد تا جماعت دلداده قرآنی در روزهای پایانی تیر و اول مرداد میزبانی کند.

بنا می‌شود کنگره‌ای سراسری سمپادی فراهم شود. جایی هستیم در محاصره کوه‌ها و مجالی است که در خود باشیم.

○ افتتاحیه، با شکوه تمام و قرائت فخر قاریان ایران، استاد کریم منصوری آغاز شد، که بی‌شک کوه‌ها از تجلی این کلمات و حی به خود لرزیده‌اند. در ادامه، نمایش تأثیرگذاری توسط مرکز راهنمایی فرزندانگان اجرا شد و سپس جناب آقای دکتر آراهی ریاست سمپاد یکی از ده سخنرانی ممتاز خود در ده سال گذشته را بیان فرمودند که احساسات حضار را در شادی و غم به حد نهایت، موج داد و یادگاری ماندگار به جای گذاشت.

○ این افتتاحیه بعد از ظهری، با پذیرایی مناسب و خوب به نماز جماعت مغرب و عشا متصل گردید تا در میانه تابستان، بچه‌ها طعم سرما در غروب را در اعجاز چهار فصل ایران اسلامی بچشند.

○ نشست آقای دکتر با مدیران مراکز و اهداء جوایز تک‌تک دانش‌آموزان دختر و پسر در جلسات جداگانه از دیگر برنامه‌های روزهای بعد بود. مسابقات نیز با نظم و ترتیب خاصی و طبق روال در جای خود با شایستگی تمام برگزار گردید.

○ این همایش بزرگ و ماندگار در ذهن‌ها، در اختتامیه خود که تا پاسی از شب طول کشید اولاً به

تجلیل از تمام افتخارات و بازنشستگان شایسته و زحمت‌کش سراسر کشور پرداخت، دیگر آن‌که جوایز همه برگزیدگان قرآنی را اهداء نمود و در نهایت با سخنرانی جناب آقای دکتر آژهای، حُسن ختام یافت.

با کمال امیدواری از خداوند می‌خواهیم تداوم خدمت در امر استعدادهای درخشان فراهم باشد تا شاهد دوره‌های بعدی این کنگره عظیم باشیم.

■ در حاشیه

○ برنامه تله کابین و عزیمت همه شرکت‌کنندگان تاکوه و بازگشت هوایی (!) از آن از برنامه‌های مورد توجه بود.

○ حجم هدایای امسال کاملاً قابل توجه بود. سه نهاد سمپاد، مراکز تهران و جمعی از فارغ‌التحصیلان قدیمی دست‌اندرکار دوره‌های اولی کنگره قرآنی با هدایای علمی، فرهنگی و قرآنی خود، بچه‌ها را ساختند!

○ آب و هوای دیزین برای همه شرکت‌کنندگان شگفت‌انگیز بود!

○ محموله پذیرایی شرکت‌کننده‌ها در قالب یک محموله و در روز اول توزیع شد. بعضی‌ها دخل جیره سه روزه را، همان روز اول در آوردند!

○ در بخش خواهران مشکل اسکان به چشم می‌خورد که با برخی اقدامات فوری مسئله فیصله پیدا کرد.

○ همراهی اعضا و مسئولین هتل‌های دیزین و گاجره با کنگره قرآنی سمپاد مافوق تصور بود و جای قدردانی و تشکر فراوان دارد.

○ یک مورد هم زنبور زدگی داشتیم که بعداً معلوم شد زنبور بی‌خود کسی را نمی‌زند!

○ مطابق سال‌های قبل، بعضی بی‌برنامگی‌ها از سوی مراکز باعث محروم شدن تعدادی از دانش‌آموزان از برنامه اختتامیه شد. البته سال به سال درصد این گروه رو به تقلیل بوده است.

○ دبیرستان علامه‌حلی تهران از طرف مراکز تهران مسئولیت اجرایی میزبانی را برعهده داشت. مرکز راهنمایی علامه حلی ۱ وظیفه پذیرایی‌ها، علامه حلی ۲ پشتیبانی و مراکز فرزندانگان نیز به عنوان مراکز معین و پشتیبان از عهده کار برآمدند.

دست همگی مان درد نکند! دست شما هم درد نکند که با آمدنتان افتخار میزبان بودن قرآنی‌ها را به ما دادید. به امید دیدار.

